

شنبه ۹ مرداد ماه ۱۴۰۰ • ۱۴۴۲ ذی الحجه ۲۰ • 31 Jul 2021



نگاهی به رسانه‌ها

بازتاب اخبار تئاتر در روزنامه‌ها

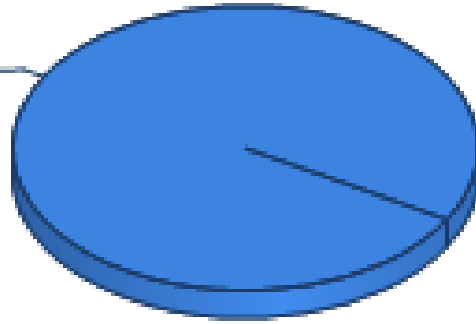
تعداد کل محتوا : ۱۱



روزنامه

۱۱

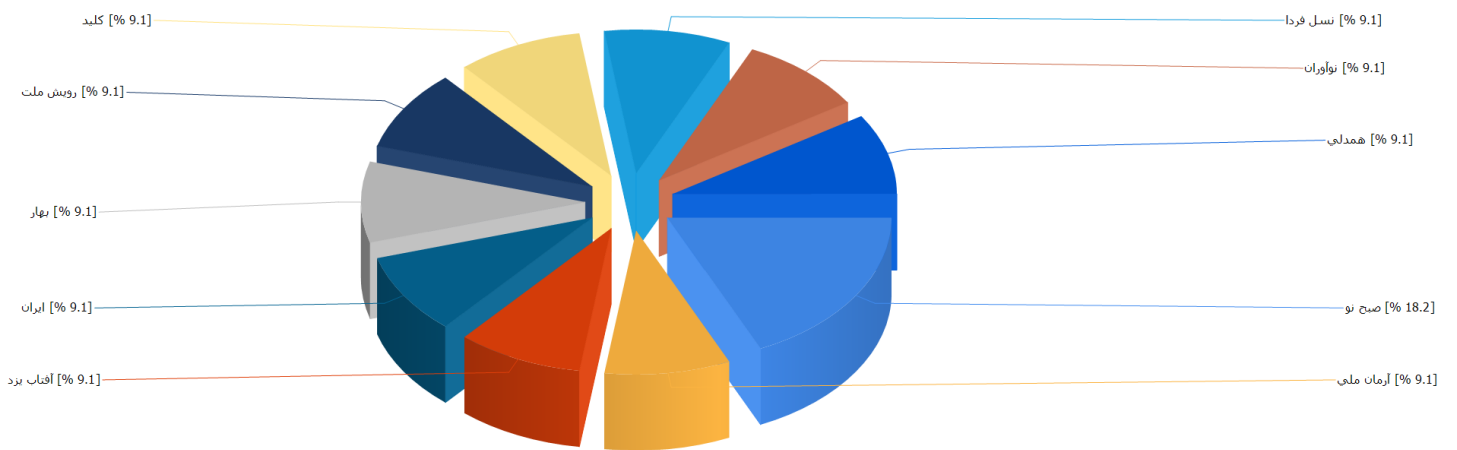
روزنامه: 100.00 %



گزارش فراوانی و درصد فراوانی مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب

درصد فراوانی	فراوانی	نام منبع	ردیف
۱۸/۲	۲	صبح نو	۱
۹/۱	۱	آرمان ملی	۲
۹/۱	۱	آفتاب یزد	۳
۹/۱	۱	ایران	۴
۹/۱	۱	بهار	۵
۹/۱	۱	رویش ملت	۶
۹/۱	۱	کلید	۷
۹/۱	۱	نسل فردا	۸
۹/۱	۱	نوآوران	۹
۹/۱	۱	همدلی	۱۰
۱۰۰	۱۱	جمع کل	

نمودار فراوانی و درصد فراوانی مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب



فهرست اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب

صفحه	عنوان	رسانه
۶	اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب	
۷	«تردمیل» اجراخوانی می شود	همدلی
۸	«تردمیل» اجراخوانی می شود	رویش ملت
۹	اپیدمی طاعون در «بازی های کشتار همگانی»	آرمان ملی
۱۰	آتش سانسور!	آفتاب یزد
۱۱	از طهران تا تهران ۱	صبح نو
۱۲	از طهران تا تهران ۲	صبح نو
۱۳	الهام کردا:بزرگترین مشکل سریال سازی ها فقدان فیلم نامه است	نواوران
۱۴	درخواست واکسینه کردن اهالی تئاتر	بهار
۱۵	درخواست واکسینه کردن اهالی تئاتر	کلید
۱۶	روزگار ناهمایون اپرای ایران	ایران
۱۷	یک قرار ملاقات دردسرساز با آقای وودی آلن	نسل فردا



◀ اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب



اجرای ۱۱ مونولوگ برتر جهان نمایش با کارگردانی سینا راستگو «تردمیل» اجراخوانی می شود

همدلی | «تردمیل» به کارگردانی سینا راستگو در تماشاخانه دیوار چهارم اجراخوانی می شود. سینا راستگو قصد دارد «تردمیل» را که شامل ۱۱ مونولوگ برتر از نمایشنامه های شناخته شده جهان است به صورت اجراخوانی به صحنه ببرد. این اجراخوانی شنبه ۹ مردادماه در ۲ نوبت ۱۶:۳۰ و ۱۸:۳۰ در مجموعه تئاتر دیوار چهارم اجرا خواهد شد. این نمایش، پایان نامه هنرجویان و دانش آموختگان دوره سوم کارگاه «خوانش و اجرا» است. در خلاصه این اجراخوانی آمده است: «تردمیل» مجموعه ۱۱ مونولوگ از مونولوگ های برتر نمایشنامه های جهان است که در ۱۱ فرم با خلاصه ای از داستان هر کدام از مونولوگ ها به صحنه می رود. بازیگران این نمایش به ترتیب حروف الفبا فائزه دادخواهی، فرزانه دادخواهی، الهه سرآبادانی تفرشی، امیرحسین شفیعی، هدیه صباح نو، محمد عباسی گراوند، آسان عبداللهی، امیرپوریا مسعودنیا، مبینا معظمی، مونا مهدی پور کیانی، فاطمه نیاکان هستند. سینا افشار نیز طراح گرافیک این اجراخوانی است و تهیه و تولید این اجرا را نیز موسسه هنری آرتا برعهده دارد.



به کارگردانی سیناراستگو

«تردمیل» اجراخوانی می شود

«تردمیل» به کارگردانی سیناراستگو در تماشاخانه دیوار چهارم اجراخوانی می شود.

سیناراستگو قصد دارد «تردمیل» را که شامل ۱۱ مونولوگ برتر از نمایشنامه های شناخته شده جهان است به صورت اجراخوانی به صحنه ببرد. این اجراخوانی امروز شنبه ۹ مردادماه در ۲ نوبت ۱۶:۳۰ و ۱۸:۳۰ در مجموعه تئاتر دیوار چهارم اجرا خواهد شد.

این نمایش، پایان نامه هنرجویان و دانش آموختگان دوره سوم کارگاه «خوانش و اجرا» است. در خلاصه این اجراخوانی آمده است: «تردمیل» مجموعه ۱۱ مونولوگ از مونولوگ های برتر نمایشنامه های جهان است که در ۱۱ فرم با خلاصه ای از داستان هر کدام از مونولوگ ها به صحنه می رود. بازیگران این نمایش به ترتیب حروف الفبا فائزه دادخواهی، فرزانه دادخواهی، الهه سرآبادانی تفرشی، امیرحسین شفیععی، هدیه صباح نو، محمدعباسی گراوند، آيسان عبداللهی، امیرپوریا مسعودنیا، مبینا معظمی، مونا مهدی پور کیانی، فاطمه نیاکان هستند. سینا افشار نیز طراح گرافیک این اجراخوانی است و تهیه و تولید این اجرا را نیز موسسه هنری آرتا برعهده دارد.

تئاتر

بهرروز سروعلیشاهی مطرح کرد

ایبدمی طاعون در
«بازی های کشتار همگانی»

کارگردان نمایش «بازی های کشتار همگانی» با اشاره به موضوع این اثر نمایشی که در ساره یک بیماری ایبدمی است درباره وضعیت تئاتر در شرایط



این روزها توضیحاتی ارائه داد. بهروز سروعلیشاهی که این روزها نمایش «بازی های کشتار همگانی» را در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه دارد، گفت: این روزها شرایط تئاتر به گونه ای نیست که بدانیم آیا چند روز بعد نمایش همچنان می تواند به صحنه می رود یا خیر، از این رو برنامه ای برای تمدید اجرا نداریم، مخاطبان نیز با همین بلا تکلیفی روبرو هستند و مطمئن نیستند که می توانند به تئاتر بیایند یا نه البته با وجودی که نمایش ما در ۲ مقطع ۱۰ روزه و ۶ روزه با تعطیلی مواجه شد اما خوشبختانه لطمه ندیدیم و چه قبل و چه بعد از تعطیلی ها توانستیم تماشاگرانمان را حفظ کنیم و در بیشتر شبها ظرفیت ۵۵ صندلی را که در اختیارمان قرار داشت، پر کنیم. این اتفاق از خوش شانس ما بود اما در کل فضا به شکلی نیست که مخاطبان از کارهای روی صحنه استقبال کنند. وی ادامه داد: من به عنوان تهیه کننده و کارگردان نمایش با این پیش فرض تصمیم به اجرای نمایش گرفتم که ممکن است ضرر کنم اما خوشبختانه این اتفاق برای من نیفتاد اما متأسفانه فضا متزلزل است و نمی توان برنامه ریزی درستی برای اجرا انجام داد.

نمایش ایبدمی محور

این کارگردان تئاتر درباره ویژگی های نمایش توضیح داد: نمایشنامه «بازی های کشتار همگانی» نوشته اوژن یونسکو و از جمله آثار طاعون محور و ایبدمی محور است که این موضوع را در رمان «طاعون» آلبر کامو هم شاهد هستیم. منبع اصلی پرداختن به این مساله برگرفته از داستانی است متعلق به ویلیام دفو با عنوان «وقایع نگاری سال طاعون» که قرن ۱۷ نوشته شده و یونسکو سال ۱۹۶۴ نمایشنامه ای براساس آن نوشته است. این نمایشنامه جزو متن های کمتر اجرا شده اوژن یونسکو است چه در خارج از کشور و چه در ایران که در ایران تنها چند اجرای نمایشنامه خوانی از متن شده است. سروعلیشاهی افزود: از این متن ۲ ترجمه شده است که یکی متعلق به احمد کامیابی مسک و دیگری از داوود رشیدی است که من براساس ترجمه آقای رشیدی نمایشنامه را برای اجرا آماده کردم که البته در این روند متن حدود ۵۰ درصد دراماتوزی و به روز رسانی شده است و مبتنی بر بحران کرونایی است که این یکی دوسال گریبان ما را گرفته است. دغدغه ام برای انتخاب متن همیشه آثاری بوده است که رویکرد اجتماعی به روزی داشته باشند. در همین راستا باز خورد های بسیار خوبی هم از مخاطبان گرفته ایم و اکثر تماشاگران از اینکه به دیدن نمایشی نشستند که حرف امروز را می زند، ابراز خرسندی می کنند. نمایش قبلی ام «عبور» نیز به مساله مهاجرت می پرداخت و این اثر نیز به ایبدمی و بیماری اختصاصی دارد چون معتقدم این روزها نیازمند پرداختن به موضوعاتی هستیم که دغدغه مردم و مورد توجه جامعه هستند. وی در پایان صحبت هایش درباره فضا سازی و طراحی صحنه نمایش گفت: در این نمایش طراحی صحنه و لباس را خودم برعهده دارم. صحنه نمایش به شیوه ای طراحی شده که آمیخته با خلأ باشد و می توان گفت فضای نمایش آراسته شده با نبودن ها و شاهد صحنه پردازی کاملاً مینیمالی هستیم. هر بازیگر نیز ۴-۵ نقش را ایفا می کند و فضای کم دی نمایش به درستی در اجرا جا افتاده و واکنش مثبت تماشاگران را در پی دارد. نمایش دارای ۱۳ صحنه است که نسبت به متن اصلی ۶ صحنه آن کوتاه شده است.



گفت و گوی «صبح نو» با «پیمان شیخی» مجری رادیو و تلویزیون که تاکنون هفت کتاب نوشته است

از طهران تا تهران

احمد رضا حجاززاده

پیمان شیخی با آنکه سال‌هاست در مقام خبرنگار، عکاس، بازیگر، نویسنده، پژوهشگر، تصویربردار و فیلمساز فعالیت دارد، این روزها بیشتر از هر چیز به عنوان مجری رادیو و تلویزیون شناخته می‌شود؛ با ظاهر و یوشی آراسته و صدای گرم و دلنشین اما آنچه موجب شده سراغ این مجری تلویزیون برویم، نه صرفاً توانایی‌های نامحدود او در رشته‌های مختلف هنری است و نه اجراهای رادیویی و تلویزیونی‌اش. شیخی از دیرباز تا امروز عشق و علاقه وافروغریبی به طهران قدیم و تئاتر در آن روزگار داشته است. نتیجه این دل‌بستگی به تاریخ پایتخت و هنر نمایش، نگارش کتاب‌های «خاطره‌های پیشکسوتان تئاتر/۱ و ۲»، «تماشاخونه‌های طهران»، «طهران و قصه‌های آقاخان»، «فراموش شدگان خیابان لاله‌زار»، «صندلی خالی» بوده که آخرین اثر او کم‌تر از دو هفته پیش در نشر غنچه چاپ و روانه بازار کتاب شد. در کتاب «صندلی خالی» مصاحبه‌هایی با ۹ تن از پیشکسوتان عرصه تئاتر گنجانده شده که هر ۹ نفر به تعبیر شیخی، دنیای‌شان را عوض کرده و به دیار دیگر ستانفته‌اند. به بهانه چاپ این کتاب، بای حرف‌ها و خاطره‌های شیرین پیمان شیخی نشستیم.

شنیده‌ایم به طهران قدیم و تماشاخانه‌های آن و خاطره‌های خیلی علاقه‌مندید. این علاقه از کجا می‌آید و برای نگارش هر کتاب، سوزه‌های تان را چگونه پیدا می‌کنید؟
بله، علاقه‌ام به طهران قدیم و تئاتر را کتمان نمی‌کنم. از هفت عنوان کتابی که تاکنون منتشر کرده‌ام، موضوع پنج عنوان مشخصاً تئاتر است. محتوای دومورد دیگر، قصه‌های کوتاه است. البته باید بگویم بنده هیچ ادعایی در جهان ادبیات به عنوان داستان نویس ندارم. این دو کتاب، مجموعه‌خاطرات واقعی است که یا برای خودم یا برای آقاخانم اتفاق افتاده یا دوستانی که برای من تعریف کرده‌اند و روایت آن‌ها تبدیل شده به یک قصه کوتاه دو، سه صفحه‌ای که هر کتاب، حدود ۱۷ یا ۱۸ داستان را شامل می‌شود اما اینکه محوریت اغلب کتاب‌هایم تئاتر است، به طهران قدیم برمی‌گردد. من وقتی تاریخ تئاتر را بیگیری می‌کنم، تقریباً برمی‌گردد به سال‌های ۱۳۱۴ به بعد و اهم آن‌ها از ۱۳۲۰ اتفاق می‌افتد. در مورد قصه‌هایی همین طور است. مثلاً در «قصه‌های آقاخان» موضوع برمی‌گردد به سال ۱۳۱۳ که آقاخانم از تبریز به طهران می‌آید و خاطرات ایشان از آن سال شروع می‌شود. مزید براینکه خودم هم به طهران قدیم علاقه شخصی دارم. من بچه خیابان پیروزی‌ام! تهرانی‌های قدیم و پژوهشگران تأیید می‌کنند که تهران در آغاز از شرق وسعت پیدا کرد. تمام کسانی که اهالی میدان خراسان بودند یا بازار تهران، خیابان یامنا، عودلاجان و... چون بازاری نشین بودند دست‌شان به دهان‌شان می‌رسید، می‌آمدند در فرح‌آباد ساکن می‌شدند که باید بگویم فرح‌آباد هیچ ارتباطی با پهلوی ندارد. این محله از زمان ناصرالدین شاه به قدری هوای خوب و فرح‌انگیزی داشته، اسمش را گذاشتند فرح‌آباد. هرکدام از آن‌ها یک قواره زمین آنجا می‌خریدند که

بعدامحله‌های چهارصد دستگاه و صد دستگاه و چهارراه کواکولا و پیروزی به وجود آمد. یعنی من با تهرانی‌های قدیم و گویش‌شان بزرگ شدم. وقتی از مدرسه برمی‌گشتم و در کوچه‌پس‌کوچه‌های پیروزی قدم می‌زدم، غالب بوی غذاهایی که در تهران می‌پختند، بوی غذاهای تهرانی مثل دم‌پخت تهرانی بود؛ بنابراین خاطرات خوش من و اصولاً هر کسی برمی‌گردد به دوران کودکی.

در پروسه تحقیق برای نگارش این کتاب‌ها و خاطره‌ها، چقدر از پژوهش‌های تان میدانی است و چقدر کتابخانه‌ای؟ چقدر برای گردآوری متن کتاب‌ها به افراد و محله‌های قدیمی و همچنین اسناد و مدارک موجود در کتابخانه‌ها سر می‌زنید؟

به نظرم باید تفکیکی قائل شوم بین کسانی که تحقیق کتابخانه‌ای می‌کنند یا کسانی که به هر دلیل علاقه دارند تحقیق میدانی داشته باشند. ابتدا باید کتاب‌هایم را تفکیک کنم. غیر از دو کتاب قصه‌ای که به جمع‌آوری خاطره‌ها گذشت، سه عنوان از پنج عنوان کتاب دیگر کاملاً ذات روزنامه‌نگاری دارد، در واقع برآمده از مصاحبه‌های کاملاً هنری و نوشتاری من است. از ابتدا خاطره‌بازی را دوست داشتم، یعنی زمانی که همکاران دیگر مسائل به روز را دنبال می‌کردند، مثلاً اینکه رییس مرکز هنرهای نمایشی یا وزیر فرهنگ چه گفته، من می‌رفتم سراغ زنده‌یاد حسین کسبیبان یا جمشید مشایخی یا داریوش اسدزاده و دیگران. وقتی با آن‌ها صحبت می‌کردم، هیچ وقت کاری با اتفاق‌های روز نداشتم، ولی می‌پرسیدم «اولین تئاتری که در زندگی‌تان تماشا کردید، چه بود؟» و او برمی‌گشت به دوران کودکی‌اش.

ادامه در صفحه ۱۲

ادامه از صفحه ۱۱

بعده می پرسیدم «اصلا چطور با تئاتر آشنا شدید؟». تمام پرسش های من برمی گشت به ثبت تاریخ شفاهی که در واقع فعالیت هنری آن ها را در برمی گرفت. وقتی خواننده مصاحبه ام با مشایخی و محمد مطیع می خواند، می بیند که من هیچ کاری با خانواده و زندگی شخصی این افراد نداشته ام. من ویکی، دو نفر دیگر از دوستانم مثل مهدی صفاری نژاد یا زنده یاد «معدی افشار» ارتباط دوستانه و تکنگانی داشتم. جالب است بدانید من روز چهارم درگذشت استاد سعدی متوجه شدم نوه ای به نام سحر دارد! یعنی هیچ وقت از ایشان نپرسیده بودم همسر شما کیست و چند تا بچه داری و... چون به من ارتباطی نداشت. من فقط فعالیت های فرهنگی و هنری و تئاتری آن آدم ها را ثبت کردم اما در کتاب های «تماشاخانه های طهران» و «فراموش شدگان خیابان لاله زار»، کمی از حالات روزنامه نگاری و پرسش و پاسخ فاصله گرفتم. این دو عنوان کتاب کاملا بر پایه تحقیقات میدانی و در کنارش پژوهش های کتابخانه ای است. دوست عزیزم آقای ناصر حبیبیان پایان نامه ای دارد به نام «تماشاخانه های تهران» که در چهار دهه گذشته ثبت و بعدا به صورت کتاب چاپ شد و کاملاً بر اساس تحقیقات کتابخانه ای شکل گرفته ولی من نام کتاب را گذاشتم «تماشاخانه های طهران». این نام در برپایه به مخاطب، گویش محاوره ای مردم را می رساند. من از سال ۷۵ روی طهران قدیم تحقیق می کردم و از سال ۸۳ روی تئاتر و تماشاخانه های طهران قدیم. بنابراین مجبور بودم بروم به تئاتر پارس، نصر، دهقان و جای آن ها را ببینم. مثلاً کتاب «تماشاخانه های طهران»، خواننده فقط دو سال تئاتر مدرن و جدیدی می بیند که تئاتر شهر و سنگلج است که من در هر دو سال مسوولیت داشتم و چند سال کار کردم. در این بخش از زنده ها شنیده های خود هم استفاده کردم اما برای تماشاخانه های دیگر اکتفا نکردم به اینکه در فلان کتاب چنین نوشته است. البته نکته هایی از کتاب های دیگر آورده ام که مثلا مرتضی خان احمدی درباره تئاتر نصر گفته. آقای عزت الله انتظامی و داریوش اسدزاده چه گفته اند و بعد خود هم رفتم آن مکان را دیدم و پرس و جو کردم.

اطلاعاتی که در پژوهش ها کسب می کردید، غیر از کتاب های تان جای دیگری هم استفاده می شد؟

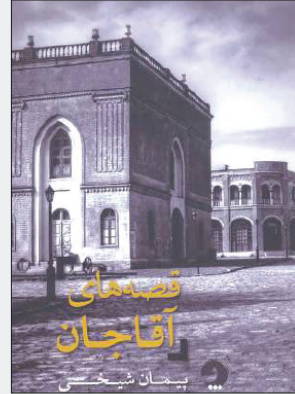
بله. من چهار سال برنامه ای تحت عنوان «تماشاخانه» در رادیو پخش داشتم که آنجا ۵۵ تماشاخانه معرفی کردم. برای این تحقیقات می رفتم مثلاً تئاتر سعادت را که در کتاب ناصر حبیبیان نوشته در کوچه نظامیه است، می دیدم. شب در آن کوچه ما قافیل داشتم. کوچه عیان تهران بود. قدیمی ها تئاتر زیاد خوب نمی دانستند. چه بنده ای اینکه یک تماشاخانه در کوچه شان داشته باشند. رفتم و گشتم در خیابان امام خمینی (سیه سابق)، دیدم روی روی خیابان یا منار یک بانک ملی یک طبقه است که سابقا تئاتر سعادت بود. یک روز با داریوش اسدزاده از آنجا دیدم می شدیم. گفت اینجا تئاتر سعادت بوده و من در این سالن تئاتر دیدم. آن موقع تئاتر های تخته حوضی می دیدند.

کتاب «فراموش شدگان خیابان لاله زار» چطور تدوین و آماده شد؟

من ۱۷ سال است روی هنرمندان تئاتر تهران قدیم کار می کنم؛ مثلاً وقتی اسم سعید علی خان نصر می آید یا پرویز خطیبی یا هوشنگ سازنگ و آقای تفکری، اول خانواده های این افراد را پیدا کردم یا بعضا آن ها من را پیدا کردند. مثل نوه آقای تفکری و بخش عمده ای از اطلاعاتم را از آن ها گرفتم و تبدیل شده این کتاب.

آقای شیخی، در جریان نگارش کتاب های تان، به شخص، مکان، اتفاق یا اسنادی برخورد کردید که برای نخستین بار در کتاب شما مطرح شده و بگرو دست اول باشد؟

بله. کتاب های افراد سرشناس و برخی سیاسیون معاصر را می خواندم. مثل کتاب خاطرات «شیعان جعفری» که در تاریخ به شعبان بی مخ معروف بود. متأسفانه تعداد



کتاب های خاطرات هنرمندان قدیمی خیلی کم است. فکرمی کنم برخی دوستان دیگر و بنده طی سال های اخیر توجه مان به تاریخ شفاهی جلب شد. وگرنه تا ۲ سال پیش کسی به این مقوله توجهی نداشت. الان است که می بینم مثلاً فلان خانم یا آقای عکاس می رود رتار دحقان چند تا عکس می گیرد و در صفحه اینستاگرامش هم می گذارد و همه توجه می کنند. در حالی که همین اطلاعات را من و دیگران مثلاً پنج سال پیش داده بودیم ولی به ما توجه نکردند. این را به عنوان گله نمی گویم. این ذات روزگاری است، یعنی در روزگار فعلی ما به تاریخ شفاهی توجه بیشتری صورت گرفته است؛ برای نمونه، در کتاب خاطرات شیعیان جعفری، ماجرای روزی را که می رود به تئاتر فرهنگ. که بعدها شد تئاتر پارس و آنجا به هم می ریزد، آمده و من از شان استفاده کردم. ضمن اینکه وقتی داریوش اسدزاده از دواتش سوزی در تئاتر نصرنریبم گفت و به اسناد حرف خودش در کتابم آوردم، آن موقع تازه بود. الان دیگر این اطلاعات دستم است. هر کسی که با اسدزاده صحبت کرده یا کتاب های ایشان را خوانده، این ها را می داند. بنابراین بخشی از اطلاعاتی که در کتابم آورده ام، در زمان انتشار اطلاعات بگرو تازه ای بود. شاید الان دست دوم محسوب شود.

شما در کتاب های گفت و گو با هنرمندان و به ویژه کتاب «صندلی خالی»، با بسیاری از پیشکسوتان عرصه هنر حرف زدید که خیلی از آن ها دیگر زنده نیستند. می خواهید بدانییم روند نگارش این کتاب ها از سوی شما تا کجا ادامه دارد و آیا قرار است سراغ هنرمندان نسل بعدی هم که تازه به جمع پیشکسوتان پیوسته اند، بروید؟

اول بخش دوم پرسش تان را پاسخ می دهم. تاریخ ژورنالیستی هنر کشور مادر صد سال گذشته، متأسفانه همیشه نسبت به آدم های مطرح و تاب بیشتر توجه نشان داده است؛ برای مثال، یک بار مصاحبه ای به دستم رسید که در یکی از مجلات تاب دهه ۲۰ منتشر شده بود. خبرنگار رفته به تئاتر تفکری و با «صفر تفکری» مصاحبه کرده است. حالا چطور؟ در میان پرده نمایش رفته پشت صحنه و با تفکری گپ زده و بعد دوباره تفکری رفته یک صحنه بازی کرده و حرف کرده برگشته و ادامه مصاحبه را انجام داده است! اولی آن خبرنگار سراغ سایر بازیگران دیگر که در همان نمایش روی صحنه خوش درخشیده اند، نرفته است. فقط رفته سراغ صفر تفکری. متأسفانه اغلب خبرنگاران امروز هم دچار این عارضه شده اند. البته من دچار نشده ام خدا را شکر. حالا برای مثال، من گفت و گو و مصفصلی با هنرمندی دارم که در مقایسه با عزت الله انتظامی و علی نصیریان، نام او نبوده، یعنی وقتی این ها در خیابان راه می رفتند، مردم علی نصیریان را به نام می شناختند اما در مورد او می گفتند «اون هنریشه هه»! می خواهم بگویم من سراغ آن «هنریشه هه» هم می روم، چون همیشه این بخش از هنرمندان که قلاب گرفتن برای صعود خیلی از بازیگران بزرگ، لازم و ملزوم یکدیگرند. آن بازیگر کمتر شناخته شده هم بازیگر بوده و باید هنر بازیگری را می آموخته که توانمندی مقابله با یک بازیگر تاب را پیدا

کند. نباید فراموش کنیم که این ها بخش عمده ای از تاریخ تئاتر کشور ما هستند. پس بله، انتشار این کتاب ها ادامه خواهد داشت در مصاحبه با هنرمندان پیشکسوتی که عمر شان را گذاشتند و یکسری از آن ها بدشانسی آوردند و بخش دیگری دیده نشدند و گروهی را زورنالیست ها نادیده گرفتند. عموماً روزنامه نگاران همیشه حواس شان به گل روی صحنه بوده است! شما الان جایی نمی بینی که با بازیگر مقابل «مهدی صصری» مصاحبه شده باشد یا حتی سعدی افشار.

از اجرای مصاحبه های کتاب «صندلی خالی» بگویید.

بله. این کتاب خیلی برام مهم است. من دو عنوان کتاب با نام های «خاطره بازی پیشکسوتان تئاتر/ جلد ۱ و ۲» منتشر کردم که آنجا با لای هر مصاحبه منبع ذکر شده، یعنی نوشته روزنامه فلان، شماره فلان و تاریخ بهمان، یعنی همان متنی که به سردبیر فلان روزنامه داده بودم و چاپ شده بود، در کتاب آمده و می دانید که سردبیر مصاحبه را براساس سلیقه و تشخیص خودش و حجم روزنامه کوتاه می کرد و آنچه چاپ شده چیزی بود که من در اختیار داشتم. یک روز در خانه با صدا های ضبط شده ای که از مرحوم سروش خلیلی و ایراهیم آبادی و برخی دیگر از هنرمندان داشتم، تعدادی ویدیو ساختم و در فضای مجازی منتشر کردم. همان موقع متوجه شدم چقدر فایل های صوتی غنی و خوبی دارم. یکی یکی گوش دادم و متوجه شدم خیلی از حرف های مادر مصاحبه، در کتاب چاپ شده وجود ندارد. دوباره آن کاست ها و فایل های صوتی را از اول پیاده کردم، با دو تفاوت: اول اینکه تمام آنچه در فایل های صوتی آمده بود، بی کم و کاست پیاده کردم. دوم آنکه صداها را با گویش مخصوص خودشان پیاده کردم. حرف های شان را کتابی و فاخر نکردم، یعنی همان لفاظی را که خودشان استفاده کرده بودند، به کار بردم. جالب است که در مورد جمشید مشایخی، من چهار مصاحبه را که در پنج سال متفاوت انجام شده بود، پیاده کردم. پرسش های مشابه حذف شد، دوباره متن را تنظیم کردم و در نهایت به یک گفت و گو تبدیل شد. از میان مصاحبه های موجود، ۹ نفر از پیشکسوتانی که فوت کرده اند، انتخاب شدند و مصاحبه های آن ها پیاده و در کتاب کار کردم که آن ۹ نفر عبارتند از: داریوش اسدزاده، جمشید مشایخی، حسین کسبیان، سروش خلیلی، سعدی افشار، فرهنگ معیری، ایراهیم آبادی، داوود رشیدی و محمد مطیع. وجه تشابه این ۹ نفر آن است که همگی فوت کردند.

شما غیر از هفت عنوان کتابی که تا امروز نوشته و منتشر کرده اید، سابقه فیلمسازی، عکاسی و روزنامه نگاری هم دارید و البته این روزها بیشتر به واسطه بیان و صدای گرم تان در رادیو و تلویزیون شناخته می شوید. بین عرصه های مختلف کدام برای شما در اولویت است؟

خب من هیچ کدام از این رشته های کاری را جدا از هم نمی دانم. مطمئناً هر چقدر خداوند به من عمر بدهد، نشوست است که کارها را در کنار هم انجام می دهم و اولویت بندی نمی کنم، چون همه شان کارهای عاشقانه و فرهنگی اند، چه وقتی در رادیو پشت میکروفن می نشینم و تلاش می کنم مخاطبم آرام باشد و حال خوبی به او منتقل و اطلاعات هنری اش زیاد شود یا حتی برنامه هایی که با جهان هنر فاصله داشتند و من اجرا کردم.

بفرمایید اصلاً چطور سراز کار اجرا در رادیو و تلویزیون در آوردید؟

یادم است سال ۸۵ فریب زارایی، یکی از دوستان خبرنگارم که در رادیو خانم زاله محمدعلی کار می کرد، بیمار بود و نتوانست به کار برود. از من خواست به جای او بروم. گفتم: بلد نیستم چه کار کنم. گفت: خانم محمدعلی به شما می گوید. رفتم میدان آرگ و برای اولین بار با یک پادریو آشنا شدم. مثل ایلدیر سرزمین عجایب بودم. همه چیز برای من که از چهار سالگی «داستان های شب» را در رادیو همراه با پدرم گوش می کردم، جذاب و دوست داشتنی و



عاشقانه بود. آقای بهرام سروری نژاد مجری برنامه بود. آنجا دردم گفتم «خدا می شه من یک روز پشت این میکروفن باشم و برنامه اجرا کنم؟». یک سال بعد این اتفاق افتاد. با خانم محمدعلی علاقه ام مطرح کردم. آن زمان رادیو تهران تست می گرفت. ایشان هماهنگ کرد و من دوباره تست دادم و تست هارفت روی هوا! بعد یکی از همکاران خانم محمدعلی برای هفته کتاب از من دعوت کرد که آنونس بخوانم. آنونس را خواندم و هفته بعد بزبان عبادی، از دوستان عزیزم در رادیو، گفت: می خواهم به رادیو «صدای آشنا» و «رادیو امیران» معرفی ات کنم. به عنوان کارشناس تئاتر. دیگر شروع کردم به کار کردن. یک ماه بعد، «حافظ آهی» زنگ زد که «بیمان، کارشناس تئاتر برنامه از شنیده تا سه شنبه باش». کم کم فعالیت بیشتر شد تا بهمن ماه سال ۸۸ که خانم «مریم یوسف» با آقای صدای لطفی را روی خودم حس کردم. روز بعد خانم یوسف تماس گرفتند و گفتند: «این آقای یعنی من؟ هم تیب و صدای خوبی دارد و هم اینکه بر تئاتر مسلط است. چرا از بیرون گزارشگر بیاییم؟ برای ضبط». روزنامه جستار تئاتر فجر از ایشان استفاده کنیم. این لطف خدا و خانم یوسف بود. یک روز آقای مهدی رابیانی مخصوصاً از کارگردان تئاتر، به روابط عمومی تئاتر شهر آمد و گفت: «می توانم از این کامیونتر استفاده کنم؟». گفتم: بله، بفرمایند. ایشان گفت: «اجرایت را دیدم. دوست داری برنامه اجرا کنی؟». گفتم: بله. من در رادیو هم اجرا دارم. گفت: «نه، منظورم تلویزیون است». گفتم: «کی از تلویزیون بدش می آید؟» آقای رابیانی شماره تلفن سعید بشیری را دادند که برای یک برنامه تلویزیونی در شبکه ۴ با ایشان تماس بگیرم. باید از آقای رابیانی تشکر کنم، چون بعضی ها اگر کاری از دست شان بر نیاید، انجام نمی دهند ولی ایشان به من لطف کردند. به هر حال، اولین برنامه تلویزیونی حرفه ای ام رایه نام «دور میزبش» در شبکه ۴ و سال ۸۹ اجرا کردم که در ادامه برنامه «وقدم مانده به صبح» بود که آقای صالح علاء اجرایی کردند. بعد آقای فریدون محرابی من را معرفی کرد به خانم سحر جولانی که برنامه ای را در شبکه ۴ به صورت پخش MC گرفته بودند. خانم جولانی از من تست گرفتند و بنده و آقای نوید جولانی (برادرشان) سال ۹۰ شروع کردیم به اجرای پخش MC (اعلام برنامه) و دیگر در این شبکه ماندگار شدیم. الان هم برنامه «آوانوا» را اجرا می کنم. باید بگویم طی ۱۰ سال گذشته شبکه ۴ ساعت ۲۴ ساعته نبود اما امسال این شبکه ۲۴ ساعته شد. از ساعت ۶ تا ۱۲ صبح، برنامه «آوانوا» پخش می شود که یکی از مجریان آن هستم.

حرف ناگفته ای اگر مانده، بفرمایید.

منون از فرصتی که به من دادید. نکته پایانی اینکه در حال حاضر روی زندگی نامه یکی از هنرمندان عزیز تئاتر، سینما و تلویزیون کشور کار می کنم که البته فعلاً نمی توانم نام شان را فاش بکنم. همچنین زندگی نامه صفر تفکری تقریباً آماده است و فقط با یادآوری استارتی شود. ضمن اینکه روی سوهان قلم که خاطرات واقعی افراد و البته متفاوت تر از دو کتاب پیش است، کار می کنم.

تئاتر

الهام کردا: بزرگترین مشکل سریال سازی ها فقدان فیلم نامه است

قرار است کار کنیم. البته که بعضی از هنرمندان هم زیر بار سانسور نمی روند و کار را تعطیل می کنند. ولی در چنین شرایطی کار کردن مهم تر از انفعال است. در سالهای گذشته به دلیل اینکه افرادی که از اداره نمایش می آیند برای ممیزی آثار همگی درس خوانده نمایش هستند باعث شده است فضا باز تر شده و بتوانیم بهتر گفتگو کنیم و حتی یک جاهایی آن ها پیشنهادهایی برای بهتر شدن کار بدهند.

باز یگر سریال ملکه گدایان اضافه کرد: سریال سازی در سالهای اخیر خیلی رونق گرفته است و به خصوص بعد از شروع پاندمی و اینکه مردم مجبور بودند در خانه بمانند صنعت سریال سازی رشد بیشتری گرفت. البته سریال سازی نباید این احساس را ایجاد کند که سینما از بین می رود. از گذشته صنعت سریال سازی در دنیا رونق داشته و این مانع ساخت آثار سینمایی نبوده است. الان بزرگترین مشکل سریال سازی در ایران نداشتن فیلمنامه و قصه مناسب است. یعنی فقط یک گروه فیلمسازی تصمیم می گیرد یک سریال بسازد و اینکه بر چه اساس و کیفیتی باشد در مرحله بعد قرار می گیرد. الان اینطور شده است که یک طرح چند صفحه ای مبنای ساخت سریال می شود و با همان طرح اقدامات ساخت سریال بنا گذاشته می شود. برای همین می بینیم که سریال ها در چند قسمت ابتدایی کیفیت بالایی دارند و در ادامه افت می کنند. متأسفانه باور نداریم که بزرگترین مشکل در ساخت یک سریال فقدان متن است.

وی افزود: فیلمسازان ما خیلی سعی می کنند سریال های شان شبیه جامعه باشد. ولی هیچ وقت نمی توانیم به صورت واقعی نمایشی از یک خانواده متوسط ایرانی نشان دهیم. اساساً طبقه متوسط جایگاهی در سریال های ما ندارند. همان افرادی که تحصیل کرده و باسواد و فرهنگ هستند و اصلاً قهرمان از این طبقه نداریم. وی با اشاره به آرزوهای بازیگری اش گفت: در بازیگری به رقابت فکر نمی کنم و معتقدم هر چقدر آثار ساخته شده بهتر باشند و بدرخشند کیفیت کلی سینما و تئاتر و تلویزیون بالا می رود. از آرزوهای بزرگم کار کردن با آقای بهرام بیضایی و دکتر علی رفیعی است. من همیشه فیلمها و بازیگرهای مطرح را آثارشان را دنبال می کنم و از همان ابتدا وقتی سریال «رعنا» را می دیدم خیلی دوست داشتم جای کاراکتر خانم رویا تیموریان بازی کنم. در میان بازیگران خارجی هم همیشه دوست داشتم جای خانم فرانسویس مک دور من باشم. خیلی بازیگر قوی و قدرتمندی است.

الهام کردا باز یگر گفت: تهناراه برون رفت هنرمندان تئاتر از این وضعیت کرونایی و به اجرا رفتن آثار، واکسیناسیون است.

به گزارش ایسنا، الهام کردا که در برنامه کافه آپارات با اجرای فریدون جیرانی حاضر بود، درباره وضعیت تئاتر در دوران کرونا گفت: وضعیت تئاتر این روزها خیلی ناراحت کننده و تأسف برانگیز است. بسیاری از بازیگران تئاتر که تمام تمرکز خودشان را روی تئاتر گذاشته بودند، به شغل های فرعی برای امرار معاش روی آوردند و دو سال است که رسماً بیکار هستند و واقعا اذیت شدند. تنها چاره برون رفت از این مشکل و امیدوار شدن به آینده این است که دولت تمامی اهالی تئاتر را واکسینه کند تا لااقل فضای سالن های تئاتر ایمن شود. وقتی واکسن می زنیم شاید دوباره مبتلا شویم ولی لااقل مرگ و میر کمتر است. با این شیوه ولی نمی توان امیدوی به بازگشایی تئاتر داشت.

وی ادامه داد: بهترین شغری که می توان در حال حاضر تئاتر کار کنند دانشجویان هستند. چون پرتنزی و پراز ایده و صاحب تفکر هستند. ضمن اینکه نگران بازگشت سرمایه هم نیستند و همین باعث می شود شجاعت بیشتری در اجرا داشته باشند.

کردا افزود: من تا قبل از سریال «تعبیر وارونه یک رویا» و فیلم سینمایی «به دنیا آمدن» نقش یک بازی نکرده بودم و تمرکز بیشتر روی تئاتر بود. آقای عبدالوهاب به من لطف داشت و گفت برای نقش یک حاضر هستی تست بدهی؟ و من خیلی خوشحال شدم که این اتفاق برای من افتاد.

این بازیگر سینما با انتقاد از وضعیت انتخاب بازیگران تئاتر گفت: متأسفانه یک مدلی از تفکر میان کارگردان های سینما جا افتاده است که می گویند برای اینکه هزینه های تولید فیلم کم شود به سراغ بازیگران تئاتر برویم که ارزان قیمت هستند. این نگاه اشتباهی است. بازیگران تئاتر در اجرا قدرتمند هستند و حتماً به ارتقای کیفیت فیلم و سریال کمک می کنند.

کردا درباره سانسور و خودسانسوری گفت: سانسور باعث شده است مادر تئاتر به بقامون بیشتر از کیفیت کار فکر کنیم. مادر طول این سال ها خودمان سانسور کردن را یاد گرفتیم و دست به خودسانسوری می زنیم. بلد شدیم که چطور لباس بپوشیم و چطور دیالوگ ها را بگوییم و چطور کلاه گیس هایمان را تنظیم کنیم که کار به مشکل نخورد. ما حتی بلد شدیم که چطور با افرادی که نقد دارند (من به آن ها سانسورچی نمی گویم) صحبت کنیم که اثر را به اجرا برسانیم. ما که برای دعا کردن نیامدیم. ما

الهام کردا مطرح کرد

در خواست واکسینه کردن اهالی تئاتر

قرار می‌گیرد. الان اینطور شده است که یک طرح چند صفحه‌ای مبنای ساخت سریال می‌شود و با همان طرح اقدامات ساخت سریال بنا گذاشته می‌شود. برای همین می‌بینیم که سریال‌ها در چند قسمت ابتدایی کیفیت بالایی دارند و در ادامه افت می‌کنند. متأسفانه باور نداریم که بزرگترین مشکل در ساخت یک سریال فقدان متن است.

وی افزود: فیلمسازان ما خیلی سعی می‌کنند سریال‌هایشان شبیه جامعه باشد. ولی هیچ وقت نمی‌توانیم به صورت واقعی‌نمایی از یک خانواده متوسط ایرانی نشان دهیم. اساساً طبقه متوسط جایگاهی در سریال‌های ما ندارد. همان افرادی که تحصیل کرده و با سواد و فرهنگی هستند و اصلاً قهرمان از این طبقه نداریم. وی با اشاره به آرزوهای بازیگری‌اش گفت: در بازیگری به رقابت فکر نمی‌کنم و معتقدم هر چقدر آثار ساخته شده بهتر باشند و بدرخشند کیفیت کلی سینما و تئاتر و تلویزیون بالا می‌رود. از آرزوهای بزرگم کار کردن با آقای بهرام بیضایی و دکتر علی رفیعی است. من همیشه فیلم‌ها و بازیگرهای مطرح را آثارشان را دنبال می‌کنم و از همان ابتدا وقتی سریال «رعنا» را می‌دیدم خیلی دوست داشتم جای کاراکتر خانم رویا تیموریان بازی کنم. در میان بازیگران خارجی هم همیشه دوست داشتم جای خانم فرانسویس مک دورن باشم. خیلی بازیگر قوی و قدرتمندی است. الهام کردا بازیگر سریال «ملکه گدایان» در پایان گفت: حضورم در سریال «ملکه گدایان» خیلی به اندازه و خوب بود. نقشی که بازی کردم به مرور بهتر شد و این راز آلود بودن شخصیت و اینکه به مرور برای مخاطب گره‌های داستان باز می‌شود برای من خیلی جذاب بود و خیلی از این تجربه بازی کیف کردم.



کردن مهم‌تر از انفعال است. در سالهای گذشته به دلیل اینکه افرادی که از اداره نمایش می‌آیند برای ممیزی آثار همگی درس خوانده نمایش هستند باعث شده است فضا باز تر شده و بتوانیم بهتر گفتگو کنیم و حتی یک جاهایی آن‌ها پیشنهادهایی برای بهتر شدن کار بدهند.

بازیگر سریال ملکه گدایان اضافه کرد: سریال سازی در سالهای اخیر خیلی رونق گرفته است و به خصوص بعد از شروع پاندمی و اینکه مردم مجبور بودند در خانه بمانند صنعت سریال سازی رشد بیشتری گرفت. البته سریال سازی نباید این احساس را ایجاد کند که سینما از بین می‌رود. از گذشته صنعت سریال سازی در دنیا رونق داشته و این مانع ساخت آثار سینمایی نبوده است. الان بزرگترین مشکل سریال سازی در ایران نداشتن فیلمنامه و قصه مناسب است. یعنی فقط یک گروه فیلمسازی تصمیم می‌گیرد یک سریال بسازد و اینکه بر چه اساس و کیفیتی باشد در مرحله بعد

الهام کردا بازیگر گفت: تنها راه برون رفت هنرمندان تئاتر از این وضعیت کروناوی و به اجرا رفتن آثار، واکسیناسیون است.

الهام کردا که در برنامه کافه وضعیت تئاتر در فریدون جیرانی حاضر بود، درباره وضعیت تئاتر در دوران کرونا گفت: وضعیت تئاتر این روزها خیلی ناراحت کننده و تاسف برانگیز است. بسیاری از بازیگران تئاتر که تمام تمرکز خودشان را روی تئاتر گذاشته بودند، به شغل‌های فرعی برای امرار معاش روی آوردند و دو سال است که رسماً بی‌کار هستند و واقعا اذیت شدند. تنها چاره برون رفت از این مشکل و امیدوار شدن به آینده این است که دولت تمامی اهالی تئاتر را واکسینه کند تا لاقط فضای سالن‌های تئاتر ایمن شود. وقتی واکسن می‌زنیم شاید دوباره مبتلا شویم ولی لاقط مرگ و میر کمتر است. با این شیوه ولی نمی‌توان امیدوی به بازگشایی تئاتر داشت.

وی ادامه داد: بهترین قشری که می‌توانند در حال حاضر تئاتر کار کنند دانشجویان هستند. چون برانرژی و پر از ایده و صاحب فکر هستند. ضمن اینکه نگران بازگشت سرمایه هم نیستند و همین باعث می‌شود شجاعت بیشتری در اجرا داشته باشند.

کردا افزود: من تا قبل از سریال «تعبیر وارونه یک رویا» و فیلم سینمایی «به دنیا آمدن» نقش یک بازیگر بودم و تمرکزم بیشتر روی تئاتر بود. آقای عبدالوهاب به من لطف داشت و گفت برای نقش یک حاضر هستی تست بدهی؟ و من خیلی خوشحال شدم که این اتفاق برای من افتاد. این بازیگر سینما با انتقاد از وضعیت انتخاب بازیگران تئاتر گفت: متأسفانه یک مدلی از تفکر میان کارگردان‌های سینما جا افتاده است که

می‌گویند برای اینکه هزینه‌های تولید فیلم کم شود به سراغ بازیگران تئاتر برویم که ارزان قیمت هستند. این نگاه اشتباهی است. بازیگران تئاتر در اجرا قدرتمند هستند و حتماً به از تقای کیفیت فیلم و سریال کمک می‌کنند.

کردا درباره سانسور و خودسانسوری گفت: سانسور باعث شده است ما در تئاتر به بقامون بیشتر از کیفیت کار فکر کنیم. مادر طول این سال‌ها خودمان سانسور کردن را یاد گرفتیم و دست به خودسانسوری می‌زنیم. بلد شدیم که چطور لباس بپوشیم و چطور دیالوگ‌ها را بگوییم و چطور کلاه گیس‌هایمان را تنظیم کنیم که کار به مشکل نخورد. ما حتی بلد شدیم که چطور با افرادی که نقد دارند (من به آن‌ها سانسورچی نمی‌گویم) صحبت کنیم که اثر را به اجرا برسانیم. ما که برای دعوا کردن نیامدیم. ما قرار است کار کنیم. البته که بعضی از هنرمندان هم زیر بار سانسور نمی‌روند و کار را تعطیل می‌کنند. ولی در چنین شرایطی کار



تاریخ انتشار: شنبه ۹ مرداد ماه ۱۴۰۰ * ۰۸:۵۵

الهام کردا مطرح کرد در خواست واکسینه کردن اهالی تئاتر

چند صفحه‌ای مبنای ساخت سریال می‌شود و با همان طرح اقدامات ساخت سریال بنا گذاشته می‌شود. برای همین می‌بینیم که سریال‌ها در چند قسمت ابتدایی کیفیت بالایی دارند و در ادامه افت می‌کنند. متأسفانه باور نداریم که بزرگترین مشکل در ساخت یک سریال فقدان متن است.

وی افزود: فیلمسازان ما خیلی سعی می‌کنند سریال‌هایشان شبیه جامعه باشد. ولی هیچ وقت نمی‌توانیم به صورت واقعی نمایی از یک خانواده متوسط ایرانی نشان دهیم. اساساً طبقه متوسط جایگاهی در سریال‌های ما ندارند. همان افرادی که تحصیل کرده و با سواد و فرهنگی هستند و اصلاً قهرمان از این طبقه نداریم.

وی با اشاره به آرزوهای بازیگرانش گفت: در بازیگری به رقابت فکر نمی‌کنم و معتقدم هر چقدر آثار ساخته شده بهتر باشند و بدرخشند کیفیت کلی سینما و تئاتر و تلویزیون بالا می‌رود. از آرزوهای بزرگم کار کردن با آقای بهرام بیضایی و دکتر علی رفیعی است. من همیشه فیلم‌ها و بازیگرهای مطرح را آثارشان را دنبال می‌کنم و از همان ابتدا وقتی سریال «رعنا» را می‌دیدم خیلی دوست داشتم جای کاراکتر خانم رویا تیموریان بازی کنم. در میان بازیگران خارجی هم همیشه دوست داشتم جای خانم فرانسسیس مک دورن باشم. خیلی بازیگر قوی و قدرتمندی است.

الهام کردا بازیگر سریال «ملکه گدایان» در پایان گفت: حضورم در سریال «ملکه گدایان» خیلی به اندازه و خوب بود. نقشی که بازی کردم به مرور بهتر شد و این رازآلود بودن شخصیت و اینکه به مرور برای مخاطب گره‌های داستان باز می‌شود برای من خیلی جذاب بود و خیلی از این تجربه بازی کیف کردم.



افرادی که از اداره نمایش می‌آیند برای ممیزی آثار همگی درس خوانده نمایش هستند باعث شده فضا بازتر شده و بتوانیم بهتر گفتگو کنیم و حتی یک جاهایی آن‌ها پیشنهادهایی برای بهتر شدن کار بدهند. بازیگر سریال ملکه گدایان اضافه کرد: سریال‌سازی در سالهای اخیر خیلی رونق گرفته است و به خصوص بعد از شروع پاندمی و اینکه مردم مجبور بودند در خانه بمانند صنعت سریال‌سازی رشد بیشتری گرفت. البته سریال‌سازی نباید این احساس را ایجاد کند که سینما از بین می‌رود. از گذشته صنعت سریال‌سازی در دنیا رونق داشته و این مانع ساخت آثار سینمایی نبوده است. الان بزرگترین مشکل سریال‌سازی در ایران نداشتن فیلمنامه و قصه مناسب است. یعنی فقط یک گروه فیلم‌سازی تصمیم می‌گیرد یک سریال بسازد و اینکه بر چه اساس و کیفیتی باشد در مرحله بعد قرار می‌گیرد. الان اینطور شده است که یک طرح

ارزان قیمت هستند. این نگاه اشتباهی است. بازیگران تئاتر در اجرا قدرتمند هستند و حتماً به ارتقای کیفیت فیلم و سریال کمک می‌کنند.

کردا درباره سانسور و خودسانسوری گفت: سانسور باعث شده است ما در تئاتر به بقا مون بیشتر از کیفیت کار فکر کنیم. ما در طول این سال‌ها خودمان سانسور کردن را یاد گرفتیم و دست به خودسانسوری می‌زنیم. بلد شدیم که چطور لباس بپوشیم و چطور دیالوگ‌ها را بگوییم و چطور کلاه گیس‌هایمان را تنظیم کنیم که کار به مشکل نخورد. ما حتی بلد شدیم که چطور با افرادی که نقد دارند (من به آن‌ها سانسورچی نمی‌گویم) صحبت کنیم که اثر را به اجرا برسانیم. ما که برای دعوا کردن نیامدیم. ما قرار است کار کنیم. البته که بعضی از هنرمندان هم زیر بار سانسور نمی‌روند و کار را تعطیل می‌کنند. ولی در چنین شرایطی کار کردن مهم‌تر از انفعال است. در سالهای گذشته به دلیل اینکه

الهام کردا بازیگر گفت: تنها راه برون رفت هنرمندان تئاتر از این وضعیت کرونایی و به اجرا رفتن آثار، واکسیناسیون است.

الهام کردا که در برنامه کافه آپارات با اجرای فریدون جیرانی حاضر بود، درباره وضعیت تئاتر در دوران کرونا گفت: وضعیت تئاتر این روزها خیلی ناراحت کننده و تاسف برانگیز است. بسیاری از بازیگران تئاتر که تمام تمرکز خودشان را روی تئاتر گذاشته بودند، به شغل‌های فرعی برای امرار معاش روی آوردند و دو سال است که رسماً بیکار هستند و واقعا اذیت شدند. تنها چاره برون رفت از این مشکل و امیدوار شدن به آینده این است که دولت تمامی اهالی تئاتر را واکسینه کند تا لااقل فضای سالن‌های تئاتر

ایمن شود. وقتی واکسن می‌زنیم شاید دوباره مبتلا شویم ولی لااقل مرگ و میر کمتر است. با این شیوه ولی نمی‌توان امید به بازگشایی تئاتر داشت. وی ادامه داد: بهترین قشری که می‌تواند در حال حاضر تئاتر کار کنند دانشجویان هستند. چون برانرژی و پر از ایده و صاحب تفکر هستند. ضمن اینکه نگران بازگشت سرمایه هم نیستند و همین باعث می‌شود شجاعت بیشتری در اجرا داشته باشند. کردا افزود: من تا قبل از سریال «تعبیر وارونه یک رویا» و فیلم سینمایی «به دنیا آمدن» نقش یک بازی نکرده بودم و تمرکزم بیشتر روی تئاتر بود. آقای عبدالوهاب به من لطف داشت و گفت برای نقش یک حاضر هستی تست بدهی؟ و من خیلی خوشحال شدم که این اتفاق برای من افتاد. این بازیگر سینما با انتقاد از وضعیت انتخاب بازیگران تئاتر گفت: متأسفانه یک مدلی از تفکر میان کارگردان‌های سینما جا افتاده است که می‌گویند برای اینکه هزینه‌های تولید فیلم کم شود به سراغ بازیگران تئاتر برویم که

در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه

است؛

یک قرار ملاقات در دسرساز با آقای وودی آلن

مهر: جدیدترین تیزر نمایش «ریورساید درایو» که از جمله نمایشنامه‌های تک پرده‌ای وودی آلن است، منتشر شد. تیزر نمایش «ریورساید درایو» که این روزها به کارگردانی مرتضی برزگرزادگان در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه است، منتشر شد. نمایشنامه «ریورساید درایو» یکی از سه نمایشنامه تک پرده‌ای وودی آلن است که در سال ۲۰۰۳ منتشر شد. ماجرای هر سه نمایشنامه در نیویورک می‌گذرد و عنوان هر کدام از نمایشنامه‌ها از نام خیابان مشهوری در منهتن نیویورک گرفته شده است؛ «ریورساید درایو»، «الدسی بروک» و «سنترال پارک وست». در خلاصه داستان این نمایش که با بازی محمدرضا هاشمی، بابک قادری، ساناز روشنی روی صحنه می‌رود، آمده است: یک نویسنده مشهور هالیوود در اطراف شهر و یک جای خلوت کنار رود هادسون با زنی قرار ملاقات دارد تا اینکه یک ولگرد کارتون خواب مزاحم او می‌شود و شروع می‌کند به گفت‌وگو با او. کم‌کم متوجه می‌شویم که این کارتن خواب، نویسنده را کامل می‌شناسد و حتی از زندگی خصوصی او نیز آگاه است. طی این گفت‌وگو کارتن خواب به نویسنده ثابت می‌کند که فیلمنامه آخری که نوشته داستان او بوده و نویسنده آن را از وی دزدیده است. در ادامه زن به ملاقات نویسنده می‌آید و مشخص می‌شود که می‌خواهد او را تهدید به افشای رابطه‌شان کند و از او باج بگیرد. در این میان کارتن خواب نیز این بحران را تشدید و نویسنده را ترغیب به کشتن زن می‌کند....